

# کسانی که هنوز درس بی اعتمادی نیاموخته اند

## نوشته لیلیان لورسا

مسئله آموزشگاه‌های به‌سازارت معیوم آموزش گسترش پیدا کرده است زیرا دست‌پاچی به بسیاری از مشاغل بستگی به دانش‌نامه‌هایی دارد که در مدرسه بدست می‌آید و واضح است که کودکانی که مدت چند سال از مزیت آموزش قبلی‌مدرسه برخوردار شده‌اند، هنگام ورود به دوره ابتدایی مشکلات کمتری دارند، از این‌رو آموزش قبل از مدرسه به عنوان یک عامل کامیابی آموزشگاهی تلقی می‌گردد. وقت اشخاص از شکست‌ناپذیر توجیه آموزشگاهی مخصوصاً در میان قشرهای پایین اجتماع آگاه می‌شوند، سپس به علت نگرانی خانواده‌ها و تمایل برخی از آنها به اینکه کودکان در دوره آموزش قبل از مدرسه را می‌شنوند، برمی‌آید.

ولی آموزش گروهی قبل از مدرسه روی مؤسسات آموزشگاهی تأثیرهایی دارد: مدارس ابتدایی توقع دارند که دانش‌آموز پذیرند و نه کودکانی را که تازه از محیط خانوادگی بیرون آمده‌اند، و نیز در کودکان تغییراتی در جهت برقراری زودرس روابط اجتماعی وجود می‌آورد. کودکان از وضعیت‌های مادی زندگی زیر تأثیر خانواده‌هاشان قرار می‌گیرند. محیط خانوادگی ارزشهای خاص هر خانواده را یا مشخصات طبقاتی، ملی و منطقه‌ای آن منتقل می‌سازد. معتقدات مذهبی نیز به‌وسیله خانواده منتقل می‌گردد. کودکان با کتب همه‌نوع‌عادات مربوط به شیوه زندگی، طرز بیان، نوع سرگرمی و اشتغال، فرهنگ خانواده‌ها را در وجود خود جذب و مستحیل می‌سازند. آنان در محیط‌تجرباتی نیز تحصیل می‌کنند. آنان برحسب سبب‌گیریهای

خانواده کم یا بیش می‌توانند به‌اسانی خود را با محیط‌های دیگر تطبیق دهند. و این بدان معنا نیست که خانواده و اشخاص را یکسان می‌کند بلکه تفاوت‌های فردی بنویه خود تلقی می‌دارند. هر یک از کودکان خانواده با انتخاب آنچه در محیط خود می‌بینند و شنیده‌اند و اتفاق می‌گردد. از سه تا شش سالگی دوره تکوین شخصیت کودکان است که تأثیرپذیری بسیار شدید از

محیط زیست از مشخصات آن بشمار می‌آید. این دوره با دوره آموزش قبل از مدرسه مطابقت است که تأثیر آن امکان دارد آثار پایدارتری بر جای گذارد. این اثرات ممکن است با تأثیرهای محیط خانوادگی مطابقت با معایرت داشته باشد.

گفته می‌شود که وظیفه عمده آموزش قبل از مدرسه اجتماعی کردن کودکان است. در این اجتماعی کردن، دو جنبه وجود دارد: یک جنبه آشکار که عبارت از آمادگی گروهی برای زندگی با کودکان کم یا بیش هم‌سن و سال و با بزرگسالانی غیر از پدران و مادران است که نقش معینی را ایفا می‌کنند. کودکان خود را با گروه، با اشکک و فعالیت‌های مدرسه منطبق می‌سازند و این نکته را می‌آموزند که چگونه از بزرگسالان اطاعت کنند و تحت انضباط قرار گیرند.

جنبه دیگر آن که وضوح کمتری دارد عبارت از ایجاد نوعی یکپارچگی فرد و اجتماعی کودکان است. ابتدایی‌ترین و متداول‌ترین نظامی اخلاقی را به ذهن کودکان رسوخ می‌دهند. مثلا بدانان می‌آموزند که چیزی را که متعلق به دیگران است نباید به‌منزل برود یا شکست و خراب کرد و با قیاد یا همدلیگ متواضع نمود و این ممنوعیت‌ها به‌طور انفرادی برای آنان بیان می‌شود. بلکه اعمال کودکان است که مورد تصدیق یا انتقاد قرار می‌گیرد. کودک متوجه می‌شود که چگونه آنچه را که مثبت شمرده می‌شود از آنچه منفی محسوب می‌آید تشخیص دهد.

و انگهی کودکان گروه به‌طور دسته‌جمعی در همان جهت بزرگسالان شرکت می‌کنند و او کتش نشان می‌دهند، بگونه‌ای که قبول یا رد چیزی به‌صورت یک واکنش همگانی درمی‌آید. مثلا دخترک سه‌ساله می‌خورداری می‌کند از اینکه مدادهای رنگی (ماژیک) را سرچاپش بگذارد. معلم او را دختر فصوله می‌نامد. بسیاری از کودکان هم‌سن و سال‌های نیز در کلاس همین گفته را تکرار می‌کنند و می‌گویند: بله. این دختر فصول است و ادب ندارد. کودکان به‌نویه خود عمده بزرگسالان را می‌دیدند. این یکسان کردن و آشکارا ایجاد ایدئولوژی نامیده می‌شود.

اجتماعی کردن کودکان در مدرسه عمده است که طی فعالیت‌های آنان و در سراسر روز انجام می‌گیرد و بنابراین یک فلتر و غربت‌یابی خاصی نیست بلکه نوعی زندگی است که کودک متوجه بدان خم می‌گردد. آموزش قبل از مدرسه به‌طور کلی پس از اساس یک برنامه دقیق و مشخص تنظیم نیست. علی‌این‌دوره اصولاً به کودکان نرسد زیرا چندین ولی نتیجه و حاصل کارهای مدرسه‌ای آنان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مثلا در فرانسه از همان

یک خانه اگرچه با متوا ساخته شود به بچره نیاز دارد؛ و این نخستین درس ارتباط با دنیای خارج راه اجتماعی است مگر را روی مکتب گذاشتن هفتادگه که برمسلمان سنگی را روی سنگ دیگر قرار می‌دهند درین حال که یک بازی است درس ساختاری هم بشمار می‌آید. دیگر چندان مهم نیست که بعد درهم شکستن این خانه نمای عمل نشاط انگیزی باشد. سپس زیارتی با بزرگا موسیقی است که رتبه‌ای آن را به آسمان می‌رساند. موسیقی بازی اصوات است که به وسیله آن چیز توصیف ناظیری را بیان میکند، شیوه آشنا ساختن کودک به اینکه موسیقی را با اسلوب صحیحی به نفع خود بسازد.

ابتدایی دوره آموزش قبل از مدرسه برای هر کودک برنده‌ی تشکیل می‌شود که حاوی بازی‌های و اظهارنظرهای مریبان درباره رفتار، خوبی و خصلت و موفقیت‌های تحصیلی اوست. در آموزش قبلی از مدرسه می‌توان به‌تصنهای فعالیتی کودک را تشخیص داد. فعالیت‌های مربوط به ابزار استفاده‌های ذاتی و آفرینندگی که هدف آن شکوفاساختن شخصیت کودکان است. فعالیت‌های مربوط به فراگیری و آمادگی برای فراگیری. آموزش حرکت معمولی که نیروی تسلط بر جسم را گسترش می‌دهد. چون نیاز به‌بهرار استفاده‌های ذاتی و امریست که از نیازهای عمده و اصلی کودکان محسوب می‌شود. از این‌رو بر محیطی و امکانات بازی آنان افزودند. مثلا فضای داخلی امکانات درس را با دیوارهای تیفه‌مانند به‌چندین قسمت تقسیم کرده‌اند. قسمتی از آن اشیرخانه است که در آن کودکان به تقلید از فعالیتهای خود را می‌نمایند. قسمتی دیگر محل آرایش است که در آن به آرایش عروسکی می‌پردازند و گوشه دیگری فضای است که در آن کودکان به بازی خرید و فروش اشتغال می‌ورزند. فعالیت‌های مربوط به نقاشی، ایجاد اشکال گوناگون با خمیر، آوازخوانی و رقاص فرستایی برای ابزار نقاد و اندیشه‌ها

Photo © Jean Boudier ARLOUP Paris

لیلیان لورسا Liliane Lurqeta فرانسوی، همکار سابق پروفیسور ماری والون در مرکز ملی پژوهش‌های علمی و یکی از مشخصان روانشناسی کودک و روانشناس آموزش است. آثار وی به‌نام «کودکستان مدرسه دیگری است» منتشر شده در ۱۹۶۶ توسط مؤسسه انتشاراتی دوسوف و دیست کودکستان، ۱۹۶۶. مؤسسه انتشاراتی استوگ، جنی بر پژوهش‌های علمی است که درباره رفتار کودکان و مریبان ۷۸



Photo © Buffalo Visual Arts, Paris



نظریه عقیدت‌ماندگی اجتماعی فرهنگی را رد می‌کند. آنان معتقدند که مسئول قلمداد کردن خانواده‌ها در صورتیکه آموزشگاه کودک‌کشان نه تنها نادرست بلکه بسیار خطرناک است. زیرا این عمل مدرسه را از مسئولیتی که در این زمینه برعهده دارد معاف می‌سازد. اگر تحصیل از شش سالگی برای همه کودکان اجباری است، پس برای مدرسه لازم است که دانش عمده و اساسی را به همه شاگردانی که بدانجا رفت‌وآمد می‌کنند منتقل سازد. اگر همه بزرگ و بیک سو کودکان در دوره ابتدایی با مشکلاتی روبرو می‌شوند می‌توان علت آن را از خود منتقل کرد و میباید افراد را در خود مدرسه جستجو نمود. پژوهشهای انجام شده در محل نشان می‌دهند که انتقال دانش همیشه براساس مساوات صورت نمی‌گیرد و ختمی-توان از انتقال مبتدی انتخاب که به مسوول کودکان قشرهای متوسط انجام می‌گردد سخن گفت. همچنین ثابت شده است که مدرسه ممکن است در میان کودکان طبقات پایین اجتماع روحیه خود کمینگی ایجاد کند یعنی سبب شود که آنان حس افتادگی به نفس را در مدرسه از دست بدهند.

در مورد تغییرترین خانواده‌ها از عقب ماندگی اجتماعی و فرهنگی سخن گفتن مانند آن است که با آنچه را که اساساً با شرایط اجتماعی و مخصوصاً با شرایط آموزشی ارتباط دارد به‌پدیده‌های بیمارگون‌آیی مبتدل سازیم و بنابراین هویت فرهنگی قشرهای پایین اجتماعی را مورد انکار قرار دهیم. و حال آنکه سبترین مسئله مدرسه در مورد عموم مدرسه‌سازان هویت فرهنگی همه کسانی است که بدانجا رفت‌وآمد می‌کنند. زیرا برای اینکه همه نتوانند از حد کمینگی دانش برخوردار شوند لازم است برای انکار کردن ویژگی‌های انفرادی اجتماعی آنان را مورد توجه قرار دهند. بدین سبب باید معلمان خوبی تربیت کرد زیرا غالباً کودکان به‌دست افرادی سپرده می‌شوند که راجع به فنون تعلیم و تربیت هیچ‌گونه آموزش ملی و ارزشمندی دریافت نکرده‌اند.

ملات مبتدی چنین تصور می‌شود که مدرسه مخصوص کودکان زیر شش سال یک مکان بی‌طرف و محفوظ است، و مسائل‌الاهی از هنگام ورود به مدارس ابتدایی آغاز می‌شوند. ولی پژوهشهای انجام گرفته در محل نشان می‌دهد که در اینگونه مدارس نیز انتقال انتخابی دانش و امکان رشد استعدادشکست آموزشگاهی در میان کودکان خانواده‌های فقیر وجود دارد. قبلا بیان کردیم که سنین زیر شش

سال با دوره اصلی تکوین شخصیت مطابق است. بنابراین می‌توان به‌این نکته خوب برورد که ایجاد روحیه خود کمینگی چگونه ممکن است یا دیگران احساس نمی‌کنند آثار پایداری بر جای گذارد. چنین روحیه‌هایی تنها از روابط پایزرگسالان سرچشمه نمی‌گیرند بلکه از تئیه‌ها آموزشی و از محتوای آنچه که می‌آموزند ناشی می‌شوند. هرگاه بخواهند خواندن و ریاضیات را بسیار پیش از موقع بیاموزند احتمال می‌رود که بسیاری از کودکان از این دو ماده درسی متزجر گردند. در فرانسه میان‌فراداران آموزشی قبل از موقع و کسانی که ترجیح می‌دهند آموزش را تا شش سالگی عقب‌بگذارند همیشه بحث و گفتگو وجود دارد.

تحت عنوان عقیدت‌ماندگی به‌شورآرپهای کودکانی با هم در آمیخته‌اند. شورآرپهای تحرکی وحشی مانند شورآرپهای ریاضیاتی و شواشی که ماهیت زیستی آنها برهیچکس پوشیده نیست و نیز مشکلات روانی که تعلیم و پرورش و مشا و حتی گاه ثابت کردن وجود آنها مشکل است. زیرا امکان دارد که آنها فقط واکنشی باشند که کودک در مقابل‌مدرسه از خود نشان می‌دهد. پس در این مورد مسئله وجود اختلالی که ویژه یک فرد باشد در میان نیست بلکه مسئله اینست که فرد نامساعد گاری خود را با مدرسه ابراز می‌دارد.

در فرانسه، برخی از مسئولان مدارس چنین می‌اندیشند که باید همه این عقیدت‌ماندگی‌ها را پیش از چهارسالگی کشف کرد. در این‌مورد می‌بهرت است احتیاط رعایت گردد؛ زیرا همان اندازه که کشف نزدیک بینی در کودکان مفید است بررسی علائم اختلالات روانی در میان آنها مخاطره آمیز است. به‌علاوه معلمان در صورتیکه مگریم به‌کشف چنین اختلالی باشند دیگر روحشان یکسان نیست. این خطر وجود دارد که هدف قایمی تعلیمات آموزشی‌های بهتر معزین کودکانی که ممکن است اشتباهی بر حسب عقیدت‌ماندگی بر آنها زده شود تغییر یافته و

در واقع فشارترین مسئله آموزش قبل از مدرسه مربوط به اختلالات است که در میان افراد وجود دارد. مردم پرسش محل و موقع مدارس به‌لحاظ اجتماعی کم‌بیشی متجانس‌اند. با این‌همه مسئله آموزشی در همه یکسان است. باید همه کودکان را به‌سوی مدارس ابتدایی هدایت کرد. برای اینکه پیش از کودکان مرود و مطروود واقع نشوند لازم است که معلمان آنان را درک کنند. در دوره آموزش

قبل از مدرسه معلمان از نسبت دانش صف و تازارم و آشوب‌طلبی به کودکان باید خودداری کنند زیرا هرگونه برجسی که به آنها زده‌میشود همیشه باقی می‌ماند. برجسک باید نسبت به تغییرات و تحولاتی که در کودکان وجود می‌آید، دقیق باشند زیرا سالیان زیادی بنا آنان زندگی می‌کنند. آموزش باید بربنای دانشی که برای کودکان قابل فهم باشد متکی باشد و از دیدگاه خوش‌بینانه می‌که همان تکوین شخصیت کودک است انجام گیرد. تفاهت‌های کودکان را باید شناخت و پذیرفت. باید دانست که این اختلافات وجود دارند. زیرا در غیر اینصورت معلمان کودکان را برود می‌سازند می‌انگه باانگیزه‌های فرد این کار خود می‌برند.

معلمان در درجه اول با اختلافاتی که در متشا اجتماعی کودکان وجود دارد، برخورد می‌کنند. به‌این اختلافات، تفاهت‌هایی هم که در آهنگ رشد کودکان پدید می‌آید افزوده می‌شود. برخی از کودکان زودتر از کودکان دیگر می‌توانند راه را بیرونه حرف بزنند و به‌تلاش‌ها بپردازند. و این البته هیچ‌گونه تأثیری در رشد

آنی آنان ندارد. متشا دیگر اختلاف طرز واکنش کودک نسبت به‌مدرسه است. برخی از کودکان در مدرسه راحت‌تر و ساکنتر می‌توانند سه قدرشان را برای منطبق ساختن خود با آن بکار ببرند. وجود این‌گونه کودکان برای یک مربی مستوفی کننده و اطمینان بخش است. زیرا او می‌تواند از این مستقیم و آسانی آموزش خود واقف شود. ولی کودکان دیگر ترسو، تکلیف، محتاط و گمراه هستند و همیشه حالت تدافعی به‌خود می‌گیرند. کودکان متواضع هم وجود دارند که نمی‌خواهند با نقل آخرین داستان یا نزه و سالی که برای خانواده‌هایشان اتفاق افتاده‌توجه دیگران را به‌خود جلب کنند. در این‌دلیلی کوچک‌ترین می‌توانند کودکان زودنگ را از کودکان برسی‌ستوار، کودکانی که سرور وضع آراستی می‌دارند از کودکان شلخته و لااخره کودکانی را که قادرند تفسیرات فاعلیتی را تا به‌آخر دنبال کنند از کودکانی که در کنار می‌ایستند و یا اینکه فقط لحظات کوتاهی در فعالیتها شرکت می‌جویند، تشخیص دهد. ولی او باید بتواند همه کودکان را هم درک کند.

در رابطه‌های مختلف میان مربی و کودک ایجاد می‌گردد مناسبات عاطفی هم مانند کودک طبیعی نسبت به‌برخی از کودکان نفرت از برخی دیگر، حساسیت نسبت به‌بعضی از بچه‌ها، طرفداری زیاد از بعضی دیگر، ابراز محبت بسیار زیاد نسبت به‌بازه‌ری از آنان و احساس خشم زیاد نسبت به‌بازه‌ری دیگر، مقام سببی را اشتغال می‌کند. داوربها درباره اشخاص براین مناسبات عاطفی افزوده می‌شوند و از کودکان تصویری مبهم و متغیر برای برخی و روشن و ثابت برای برخی دیگر ترسیم می‌کنند. مربی نسبت به‌کودگانی احساس محبت می‌کند که به‌لحاظ اجتماعی با وی همانند هستند و پیشتر کودکانی را ترجیح می‌دهد که از نظر فرهنگی به‌وی شباهت دارند.

شناخت هویت فرهنگی کودکان شناخت این نکته است که آنان همگی حامل فرهنگ هستند و بنابراین به‌معنای محترم تشرین چیز متفاوت و در عین حال ویژه‌ای است که آنها در وجودشان نبسته دارند. به‌عین جهت نیاز به دفاع از کودک‌کشانها، بررسی مجدد و عسقلانه آنان و تجدید سازمان آن باتوجه‌به تعداد کودکانی که بدان رفت‌وآمد می‌کنند منظر می‌رسد که جنبه فوریت دارد. خلاصه‌تر بگوییم، محترم تشرین کسانی که هنوز درس برایشان نیاموخته‌اند.

لیلیان اورسا



دختران حرف او را کاملاً ناید می‌کنند (آخر اینان نمی‌خواهند تریب و آرایش موی سرشان بهم بخورد) و سپس چنین اظهار می‌دارند. اگر درنست باشند نمی‌توان چیزی خورد. پس باید سوراخی در ارتفاع دهان ایجاد کرد. بدین سان به‌وسیله بازی و به‌کلیک نوع کودکان ساختن داشته‌ها روستا که در آن کیفیت طبیعی زندگی حکمفرماست، آغاز می‌شد.